

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

مرحوم محقق اصفهانی (رحمه الله) فرمود: همان گونه که در عالم خارج وجود رابط داریم، در عالم ذهن نیز برای ربط بین مفاهیم وجودی داریم که از آن تعبیر به معانی حرفیه می شود.

کلام مرحوم خوئی (رحمه الله) در بررسی کلام مرحوم اصفهانی (رحمه الله)

مرحوم آقای خوئی (رحمه الله) مجموعاً چهار اشکال نسبت به این بیان دارند:

اشکال اول: طبق تصریح اکثر فلاسفه که از زمان مرحوم میرداماد (رحمه الله) شروع شده است و ایشان اصطلاح وجود رابط را جعل و خصوصیتی مانند تقوم به طرفین یا تضعف مراتب وجود بودن را برای آن بیان نموده اند، وجود سومی علاوه بر اعراض و جواهر که وجودات مستقل هستند داریم و به آن وجود رابط اطلاق می شود.

استدلالی که برای اثبات وجود رابط ذکر می شود و مرحوم اصفهانی (رحمه الله) نیز آن را بیان نمودند این است که یقیناً در عالم خارج وجود «زید» و طبیعی عرض موجود است. اما سوال این است که آیا این عرض برای معروض که زید باشد، ثابت است یا خیر؟

در ادامه می گویند به این علت که یقین و شک دو صفت مختلف و متضاد هستند، لذا باید متعلق آن ها نیز مختلف باشد؛ یعنی نمی توان گفت یقین به چیزی تعلق پیدا کرده است که شک نیز به آن تعلق دارد. پس لازم است در عالم خارج وجود دیگری غیر از زید و طبیعی عرض به نام وجود رابط داشته باشیم.

البته این دلیل را در اسفار مشاهده ننمودم به این جهت که مرحوم ملاصدرا در اسفار و در جلد اول در سه بحث درباره وجود رابط بحث دارند که صفحه 327 «المرحلة الثانية في تتمه أحكام الوجود و ما يليق بأن يذكر من أحكام العدم: فصل اول: في تحقيق الوجود بالمعنى الرابط» بحث مفصل تر است.

در صفحه 78 و فصل نهم نیز عنوان، «في الوجود الرابطي» است که بیان می کنند وجود رابطی دو معنا دارد: الف- ما يقابل الوجود المحمولي: وجود محمولی همان وجود فی نفسه و در مواد ثلاث یعنی امکان، امتناع و ضرورت است. سپس در معنای وجود رابط می فرماید: «هو ما يقع رابطه في الحملات الإيجابية وراء النسبة الحكمية الاتحادية التي هي تكون في جملة العقود»

وجود رابط آن است که در موجهی محموله در حملیات ایجابیه به عنوان رابط است.

می‌فرماید: در قضایا یک نسبت اتحادی داریم و آن نسبت «هو هویت» است. اما غیر از این نسبت اتحادی که در خود قضایا وجود دارد یک وجود رابط خارجی هم داریم که وجود لا فی نفسه است. در صفحه 143 نیز همین مطالب را بیان نموده‌اند.

مرحوم آقای خوئی (رحمه‌الله) می‌فرماید: تحقق وجود رابط بین موضوع و محمول در جمله «زید قائم»، در عالم خارج صحیح نیست؛ در نتیجه غیر از جوهر و عرض در خارج وجود دیگری به نام وجود رابط نداریم.

توضیح مطلب اگر طبیعی و فرد در عالم خارج دارای دو وجود بودند، این استدلال مدعا را اثبات می‌کرد؛ اما طبیعی و فرد در عالم خارج دو وجود ندارد و اینها در عالم خارج و در وجود متحد هستند؛ در نتیجه مانعی ندارد که یقین به طبیعی و شک به فرد تعلق پیدا کند.

مثلاً یقین داریم در خانه طبیعی انسان موجود است اما نمی‌دانیم فردش زید یا عمرو است؛ یا طبیعی حیوان موجود است اما نمی‌دانیم انسان یا غنم است؛ در ما نحن فیه نیز می‌گوئیم یقین به وجود طبیعی عرض داریم اما در این‌که فردی از این طبیعی برای این زید ثابت باشد شک داریم.

به بیان دیگر به نگاه فلسفی از عروض چیزی بر چیز دیگر تعبیر به وجود رابط و در منطق از آن تعبیر به «هلیت مرکبه» و در ادبیات از آن تعبیر به «کان ناقصه» که «ثبوت شیء لشیء» باشد، می‌شود.

اشکال دوم: سلمنا وجود رابط را بپذیریم، اما این‌که حروف برای وجود رابط ولو ذهنی وضع شده باشند را نمی‌پذیریم؛ برای این‌که الفاظ برای ذات مفاهیم بدون قید ذهنیت وضع شده‌اند؛ یعنی در موضوع له الفاظ وجود خارجی و ذهنی لحاظ نشده‌است.

مرحوم محقق اصفهانی (رحمه‌الله) نیز فرمود: این قاعده وجود دارد که اگر خارجی با قید خارجیت در ذهن بخواهد موجود شود، «المقابل لا یقبل المقابل» و اگر وجود ذهنی در موضوع له باشد می‌شود مماثل که «المماثل لا یقبل المماثل».

به بیان دیگر مرحوم خوئی (رحمه‌الله) می‌فرماید: در باب موضوع له وجود را نباید مطرح نمود؛ در حالی‌که شما می‌گوئید موضوع له حروف در عالم ذهن ربط بین المفاهیم است و این ربط همان وجود رابط است که حقیقت آن وجود می‌باشد؛ یعنی اگر یکی از دو طرف کنار گذاشته شود، از بین می‌رود، در حالی‌که در موضوع له چیزی که حقیقتش عین الوجود باشد، معنا ندارد.

به عنوان مؤید کلام ایشان می‌توان گفت: نمی‌توانیم در موضوع له لفظ «الله» که واجب الوجود است و وجود برای آن ضرورت دارد، بگوئیم در آن وجود، موجود است و لذا باید وجود خدای تبارک و تعالی که ذات مستجمع جمیع صفات کمالیه است را اثبات نمائیم.

اشکال سوم: سلمنا اگر وجود بتواند در موضوع له دخیل باشد اما در باب حروف قرینه‌ای داریم که از آن به یقین می‌رسیم، حروف برای نسب، روابط و حتی وجود رابط بین دو مفهوم در عالم ذهن وضع نشده‌است.

قرینه مذکور این است که حروف همان‌گونه که در ممکنات استعمال می‌شوند، در مورد خدای تبارک و تعالی نیز استعمال می‌شود و مثلاً می‌گوئیم «الوجود لله»، در حالی‌که درباره خداوند متعال وجود رابط معنا ندارد؛ برای این‌که وجود خداوند متعال

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين

[1] □ «أقول: يقع الكلام هنا في مقامين: المقام الأول: في ان للنسبة و الربط وجود في الخارج في مقابل وجودي الجوهر و العرض، أم لا؟ المقام الثاني: على تقدير تسليم ان لها وجوداً، فهل الحروف موضوعة لها؟ اما الكلام في المقام الأول: فالصحيح هو انه لا وجود لها في الخارج في قبال وجود الجوهر أو العرض، و ان أصر على وجودها جماعة من الفلاسفة. و الوجه في ذلك هو انه لا دليل على ذلك سوى البرهان المذكور و هو غير تام، و ذلك لأن صفتي اليقين و الشك و ان كانتا صفتين متضادتين فلا يكاد يمكن أن تتعلقا بشيء في آن واحد من جهة واحدة، إلا ان تحققهما في الذهن لا يكشف عن تعدد متعلقهما في الخارج، فان الطبيعي عين فردة و متحد معه خارجاً، و مع ذلك يمكن أن يكون أحدهما متعلقاً لصفة اليقين و الآخر متعلقاً لصفة الشك، كما إذا علم إجمالاً بوجود إنسان في الدار و لكن شك في انه زيد أو عمرو فلا يكشف تضادهما عن تعدد متعلقيهما بحسب الوجود الخارجي، فانهما موجودان بوجود واحد حقيقة، و ذلك الوجود الواحد من جهة انتسابه إلى الطبيعي متعلق لليقين، و من جهة انتسابه إلى الفرد متعلق للشك. أو إذا أثبتنا ان للعالم مبدأ، و لكن شكنا في انه واجب أو ممكن على القول بعدم استحالة التسلسل فرضاً؛ أو أثبتنا أنه واجب و لكن شكنا في أنه مريد أو لا؟ إلى غير ذلك مع ان صفاته تعالى عين ذاته خارجاً و عيناً كما أن وجوبه كذلك.» محاضرات في أصول الفقه (طبع دار الهادي)، ج1، ص: 70 و 71.